

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جریان شناسی دشمنان امام حسین (ع) و امام مهدی (ع)

---

نگارنده:

محمد مهدی صمصامی

## جریان نفاق

نفاق به معنای [به دروغ] آشکار کردن ایمان و پوشاندن و در پرده نگه داشتن کفر است بنابراین منافق به کسی گفته می‌شود که کفر خویش را پنهان می‌دارد و بر آن سرپوش می‌نهد و به دروغ اظهار ایمان می‌کند.

نفاق واژه‌ای اسلامی است و اعراب پیش از اسلام با مفهوم ویژه این واژه آشنا نبودند گرچه اصل آن در زبان عربی رواج داشت شاید علت عدم آشنایی اعراب پیش از اسلام با این واژه به این دلیل است که نفاق در بستر جامعه دینی شکل گرفته و در جامعه کفر شکل نمی‌گیرد، چون کفر است. در مکه تا وقتی پیغمبر آمد نفاق وجود نداشت اما در مدینه نفاق وجود داشت پیچکی که دور دخت می‌پیچید هیچ‌وقت در بیابان خشک نمی‌روید، چون جایی که دورش بیچید وجود ندارد در جایی می‌روید که درخت باشد، نفاق در جامعه دینی شکل می‌گیرد چون منافق می‌خواهد خودش را در قالب دین و دینداران جا بزند بنابراین نفاق همیشه در بستر جامعه دیندار و جامعه‌ای که اعتقاد مذهبی دارد خود را عرضه می‌کند.<sup>۲</sup>

رسول خدا(ص) در یکی از سخنان گرانبهای خود حزب منافق را خطرناکترین دشمن معرفی کرده بلکه آن‌ها را دشمن منحصر بفرد اسلام دانسته است<sup>۳</sup> ایشان به حضرت علی(ع) می‌فرماید: بر امت اسلام نه از مؤمن، نه از مشرک‌هراسی ندارم زیرا مؤمن را ایمانش بازداشته و مشرک را خداوند به جهت شرک او نابود می‌سازد من بر شما از مرد منافقی می‌ترسم که دورنی دو چهره و زبانی عالمانه دارد، گفتارش دلپسند و رفتارش زشت و ناپسند است.<sup>۴</sup>

در حادثه کربلا جریان نفاق یکی از گروه‌های مخالف جبهه حق را تشکیل می‌داد، منافقان با وجود آن‌که نامه دعوت به امام حسین(ع) نوشته بودند و پیمان همراهی با

۱. با کاروان حسینی، علی اشاوی، ج ۱، ص ۳۳.

۲. هفت گفتار عاشورایی مقاله دلایل وقوع حادثه کربلا، دکتر رفیعی، ص ۸۰ - ۷۹. با اندکی تفسیر.

۳. منافقان یا دوست‌نماها آیت الله سبحانی، ص ۳۷.

۴. نهج البلاغه، ترجمه محمود دشتی، نامه ۲۷، ص ۵۱۱.

حضرت را بسته بودند اما خلف وعده کردند و تمام عهد و سوگندهایی را که در نامه نوشته بودند فراموش کردند و به سپاه ابن زیاد پیوستند.

امام حسین(ع) در یکی از خطبه‌های خود در شب یا روز عاشورا به این مطلب اشاره می‌کند و می‌فرماید شمشیرهایی روز عاشورا جلو آمد که قرار بود این شمشیرها از حمایت کند، چون نوشته بود حمایت می‌کنیم شمشیرهای علیه ما بیرون آمد که قرار بود این شمشیرها محافظ ما باشد قرار بود طرفدار ما باشد.<sup>۱</sup>

از افراد شاخص این جریان نافق می‌توان از شبت بن ربیع نام برد. مرحوم خویی در شرح نهج البلاغه چهره‌ی وی را این‌گونه ترسیم می‌کند: این مرد حالتی آشفته داشت. بر هیچ راهی ثابت و استوار نبود. منافقی هزار چهره و خون‌ریزی بی‌باک بود که پیر و هر آواز سرکرده‌ی هر فتنه و آشوبی بود.

سیری گذار و همه‌جانبه بر زندگی پرتلاطم شبت<sup>۱</sup> (شبیب) بن ربیع بن حصین بن ربیع، تمیمی، کوفی، یک سال پیش از بعثت نبی مکرم اسلام حضرت محمد(ص) یعنی سال ۳۹ پس از عام الفیل به دنیا آمد.<sup>۲</sup>

در پی ارتحال وجود مقدس پیامبر اکرم(ص) و غصب خلافت و در نتیجه انتشار خبر کنار نهاده شدن وصی و خلیفه آن حضرت در شبه جزیره افراد فرصت‌طلب و قبایلی که متأثر از هیبت اسلام و اقتدار پیامبرش، این آیین را پذیرفته بودند فرصت را برای رسیدن به مطامع خویش و بازگشت به جاهلیت مناسب دیده و جریان گسترده‌ای از ارتداد را درالاسلام پدید آوردند.<sup>۳</sup> و سجاج بنت حارث تمیمی و مسیلمه کذاب از جمله‌ی این فرصت‌طلبان بودند که ادعای پیامبری داشتند.

شبت در این دوران ۲۵ ساله بود و در «عراق عرب» زندگی می‌کرد وی با اعلام نبوت سجاج که از زنان قبیله‌اش بود به او ایمان آورد و از ملازمان وی گردید. شبت نزد سجاج تا آن جا قرب یافت که اذان گوی ویژه‌ای او گردید.

۱. هفت گفتار عاشورایی مقاله دلایل وقوع حادثه کربلا دکتر رفیعی، ص ۸۳.

۲. شخصیت‌شناسی عاشورا، سید رسول علوی، ص ۲۱۸ - ۲۱۵.

۳. مقاله شبت بن ربیع از سایت [www.Hajrazan.com](http://www.Hajrazan.com).

۴. عراق عرب در مقابل عراق عجم است و شامل عراق کنونی، کویت، مشرق سوریه، اردن و جنوب غربی ایران می‌شود.

چون مرزهای پیامبران دروغین گسترش پیدا کرد، مسیلمه و سجاج با هم رو در رو شدند، در این مسیلمه با ترفندی مدبر از سجاج خواستگاری کرد و به عنوان مهریه نمازهای عشا و صبح را از امت سجاج برداشت. در این میان شبث وظیفه‌ی ابلاغ این مژدگانی را به امت سجاج برعهده گرفت.

از دیگر کارهای فجیع شبث در این دوران همراهی وی با سپاه مسیلمه و سجاج در حمله به یمامه و غارت خانه‌ها و کشتن کودکان و زنان بی‌دفاع بود.

با آغاز خلافت ابوبکر وی در مقابله با این پیامبران دروغین کوشش بسیار به خرج داد که نتیجه‌ی آن سرکوبی و کشته شدن مسیلمه و سجاج بود. شبث که اوضاع را بر وفق مراد نمی‌دید بی‌درنگ به اسلام گروید و در جرگه مسلمانان قرار گرفت و از مرگ حتمی نجات یافت.

در سال ۳۶هـ ق اعتراض مسلمانان نسبت به بی‌عدالتی‌ها استناداران اموی حکومت عثمان گسترش یافت. در این دوران ردپایی از شبث دیده نمی‌شود. البته ابن حجر عسقلانی در «تهذیب التهذیب» تصریح می‌کند: که شبث بن ربعی از کسانی بود که در قتل عثمان شرکت داشت ولی توضیح دیگری در این باره نمی‌دهد با این حال هم‌چنان که نویسنده قاموس الرجال می‌گوید این قضیه استناد تاریخی ندارد و هیچ‌یک از مصادر آن را نیاورده‌اند.

پس از قتل عثمان مسلمانان به اجماع با علی(ع) بیعت کردند و وی را به عنوان خلیفه برگزیدند. موضع شبث نسبت به علی(ع) معلوم نیست، ولی در ظاهر بیعت کرده است او در جنگ جمل در شمار قاعدین بود و به یاری هیچ‌یک از دو طرف جنگ نرفت.

این موضع شبث نسبت به علی(ع) چندان ادامه پیدا نکرد و در جنگ صفین حاضر شد و حتی در شمار هیأت گفت‌وگو کننده با معاویه در جریان حکمیت قرار گرفت. با این حال دیری نپایید که پرچم مخالفت با حکمیت را بلند کرد و با تکفیر علی(ع) به خوارج پیوست یعقوبی در تاریخش می‌نویسد رییس خوارج عبدالله بن وهب اراسبی و ابن الکواء و شبث بن ربعی بودند.

شبث ربعی و تنی چند از یارانش سوسماری را گرفتند و دست خویش را در دستان او گذاشتند و - برای مسخره کردن حضرت علی(ع) - با او بیعت کردند. سپس نزد حضرت

علی(ع) در مداین رفتند حضرت علی(ع) با عام غیب از کردار زشت آنان خبر داد و فرمود: به زودی در قیامت با امام خودتان سوسمار - که با او بیعت کرده‌اید - محشور خواهید شد و او شما را به سوی آتش می‌کشد.

و در ادامه حضرت علی(ع) از کشته شدن سید الشهداء به دست شبت و یارانش خبر داد و فرمود به خدا سوگند! ای شبت و ای حریث! شما فرزند من، حسین را خواهید کشت هم‌چنان که رسول خدا(ص) به من خبر داد. بنابر تصریح بسیاری از شرح حال نویسان و سیره‌نگاران شبت از خوارجی بودن خود توبه کرد و به لشکر امام علی(ع) بازگشت حتی بنابر گزارش‌های تاریخی وی در جنگ نهروان حاضر بود و فرماندهی مسیره‌ی سپاهیان امام علی(ع) را برعهده داشت.

شبت در زمان امیرالمؤمنین(ع) در کوفه مسجدی بنا کرد که به نام خود او «مسجد شبت بن ربیع» مشهور است این مسجد یکی از مساجد پنج‌گانه‌ای است که حضرت علی(ع) مردم را از خواندن نماز، انجام عبادت و اجتماع در آن بازداشت امام صادق(ع) می‌فرماید علی(ع) در پنج مسجد از مساجد کوفه از خواندن نماز منع فرموده است مسجد اشعث بن قیس، مسجد جریر بن عبدالله بجلي، مسجد سماک بن محزمه - و مسجد شبت بن ربیع.

این اشخاص همگی از چهره‌های منافق و هزار رنگ روزگار خود بودند که از بنای این مسجد جز سود شخصی و تفرقه‌افکنی در میان صفوف مسلمانان، هدف دیگری نداشتند. شبت پس از شهادت امام حسین(ع) به شکرانه‌ی قتل فرزند رسول خدا(ع) این مسجد را با پولی که به عنوان پاداش شرکت در قتل امام حسین(ع) گرفته بود تجدید بنا کرد.

در دوران امامت امام حسن(ع) شبت و گروهی از خوارج هم‌چون اشعث بن قیس، حجر بن الحارث و عمر بن حریث نفاق و پلیدی را بدان‌جا رسانیدند که به طمع ۲هزار درهم و به عشق فرماندهی یکی از سپاهیان شام و همسری دختری از دختران معاویه، دوباره قتل امام مجتبی(ع) اقدام کردند، آنان هنگام نماز تیری به سوی امام حسن(ع) پرتاب کردند و بار دیگر در «ساباط» با خنجری مسموم به سوی حضرت حمله بردند، ولی به تقدیر الهی آن حضرت جان به سلامت برد.

یکی دیگر از کارهای شبت در این دوران شرکت در توطئه‌ی قتل حجر به عدی یار باوفا حضرت علی(ع) بود. پس از حرکت امام حسین(ع) به سوی مکه و مخالفت وی با یزید، کوفیان با فرستادن نامه‌های بی‌شماری از ایشان خواستند که به کوفه بیاید و ولایت امور شیعیان را برعهده بگیرد. از جمله افرادی که به امام حسین(ع) نامه نوشت شبت بن ربعی تمیمی بود اما این بیعت چندان به دراز نینجامید، زیرا با آمدن عبیدالله بن زیاد به کوفه شبت و بسیاری از سران کوفه دست از بیعت فرزند رسول خدا شستند و کمر به خدمت حکومت بنی‌امیه بستند حتی بسیاری از آنان هم‌چون شبت، به قتل فرستاده‌ی او، مسلم بن عقیل همت گماشتند آنان به دستور عبیدالله بر بالای بام‌ها و کوچه‌ها و خیابان‌ها رفتند و مردم را با وعده و وعید از اطراف مسلم پراکندند سپس در شبان‌گاه او را اسیر کردند و به قتل رسانیدند.

هنگامی که عبیدالله بن زیاد کوفیان، در رأس آنان اشراف قبایل را مقیم شهر را به کربلا اعزام می‌داشت روزی در پی شبت فرستاد و او را برای رفتن به کربلا فراخواند شبت خود را به بیماری زد و از عبیدالله خواست که او را از جنگ با ذریه‌ی رسول خدا(ص) معاف دارد و اما عبیدالله عذر او را نپذیرفت و سرانجام با هزار سوار راهی صحرا کربلا شد وی سپس از پیوستن به سپاهیان کوفه، امیری پیاده نظام شد که عمر بن سعد را برعهده گرفت. در روز عاشورا وقتی امام در سخنرانی نخست خود نام شبت بن ربعی و برخی از اشراف کوفه را که از حضرت دعوت کرده بودند بر زبان آورد شبت در پاسخ منکر چنین کاری شد.

پس از مرگ یزد بن معاویه، عبدالله بن زبیر خلافت را در مکه برعهده گرفت کوفیان که از ستم‌های بنی‌امیه خسته شده بودند برای رسیدن به دو آرزوی خود یعنی اصلاح امور و انتقام از امویان، با عبدالله بن زبیر بیعت کردند و از عبدالله بن مطیع استاندار او در کوفه استقبال به عمل آوردند، ابن زبیر، کارگزاران بنی‌امیه را از عراق بیرون کرد ولی قاتلان امام حسین(ع) و عاملان فاجعه‌ی کربلا را هم‌چنان در دستگاه خود نگاه داشت. چهره‌های بدنامی هم‌چون شمر بن ذی الجوشن، شبت بن ربعی، عمر بن سعد و عمرو بن حجاج و دیگر قاتلان امام دوباره هم‌کاری عراق شده بودند.

در همین دوران، قیام توابین به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی و چهارتن دیگر از سران کوفه به راه افتاد هم‌زمان با آن، مقدمات حرکت مختار شکل گرفت شبث به همراه گروهی دیگر که از ماهیت قیام مختار آگاه بودند و آن را برای جان خویش خطرناک می‌دیدند نزد عبدالله آمدند و او را از خطر مختار آگاه کردند حاکم کوفه بعد از شنیدن سخنان آنان دستور دستگیری مختار را صادر کرد. ولی به دلیل نداشتن مدارک کافی او را آزاد ساخت. مختار پس از آماده کردن مقدمات قیام، سپاهیانش را برای فتح کوفه به حالت آماده باش درآورد ابن مطیع سران کوفه از جمله شبث را با گروهی سرباز به اطراف کوفه فرستاد تا از ورود سپاهیان مختار به کوفه جلوگیری کنند. این اقدام عبدالله بن مطیع نتیجه‌ای جز شکست در پی نداشت شبث بن ربیع برای حفظ جانش به بیعت مختار رضایت داد و زیر پرچم وی قرار گرفت.

برخی از افراد همچون ابن حجر ادعا می‌کند «شبث از کسانی بود که برای خون‌خواهی سید الشهداء(ع) همراه مختار قیام کرد و مدتی نیز رئیس پلیس کوفه بود. سپس در قتل مختار شرکت داشت و سرانجام در ۸۰ سالگی مرد» این مطلب استناد تاریخی ندارد و هم‌چنان که تستری در «قاموس الرجال» می‌گوید کذب محض است زیرا شبث ابتدا با مختار جنگید سپس از روی ترس با او بیعت کرد و هیچ‌گاه شرطی کوفه را سرپرستی نکرده هرچند شبث و دیگر سران کوفه به ظاهر با مختار بیعت کرده بودند ولی از مختار دل‌خوشی نداشتند و درصدد فرصتی برای براندازی حکومت وی بودند و سرانجام شورشیان کوفه در ماه ذی‌الحجه الحرام سال ۶۶هـ ق نیروهای خود را سازمان‌دهی کردند و در شهر کوفه مرکز قدرت مختار دست به شورش زدند اما این جنگ نتیجه‌ای جز شکست شورشیان نداشت از این‌رو بسیاری از سران شورش از جمله شبث مجبور به فرار شدند.

شبث بن ربیع پس از شکست از مختار، هم‌چون بسیاری از سران به بصره فرار کرد و زیر لوای مصعب بن زبیر درآمد. گزارش اوضاع کوفه و تحریک همه‌جانبه‌ی سران به ویژه محمد بن اشعث و شبث بن ربیع در سرکوبی مختار، به لشکرکشی مصعب به کوفه برای

براندازی مختار و طرفدارانش انجامید. و سرانجام شبت در همین جنگ که به سال ۶۷هـ ق رخ داد کشته شد.<sup>۱</sup>

یکی از مظاهر نفاق ریا است امام صادق(ع) می‌فرمایند ریا و ظاهرسازی درخت (شوم و تلخی) است که میوه‌ای جز شرک خفی ندارد و اصل و ریشه آن نفاق است.<sup>۲</sup> در دوران غیبت صغری امام مهدی(ع) یکی از گروه‌های که در مقابل امام علی(ع) جبهه‌گیری می‌کند جریان نفاق است که از شاخص این جریان می‌توان از مردی ریاکار به نام احمد بن هلال عبرتائی نام برد.

احمد بن هلال عبرتائی از کسانی بود که اعتبار انتصاب ابوجعفر محمد بن عثمان را منکر شد وی در سال ۱۸۰ در عبرتا که روستایی در بخش اسکاف و نزدیک نهر روان قرار دارد متولد شد و در سال ۲۶۷ درگذشت<sup>۳</sup> وی راویان و اصحاب امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) به شمار می‌آمده است و در عصر پیش از غیبت صغرا، عهده‌دار مقام وکالت نیز بوده است.<sup>۴</sup> از ماخذ متعدد برمی‌آید که نام او در زنجیره اسناد روایات امامیه قرار دارد. وی یکی از نادر کلامیونی است که اکثر کتب حدیث شیعه را روایت کرده است.

کشی روایت می‌کند که وی عالمی برجسته و عارف متقی بوده است. برخی از نویسندگان رجال با احترام خاص می‌نویسند که او پنجاه و چهار بار به سفر حج رفت که بیست بار آن را با پای پیاده مشرف شده است.<sup>۵</sup>

پس از شروع عصر غیبت صغرا احمد بن هلال در مقابل سفیر اول واکنشی نشان داد و بنا به نامه‌ای منسوب به امام دوازدهم ابن هلال در زمان نخستین سفیر از مهم‌ترین علمای عراق بود، ولی پس از انتقال سفارت به سفیر دوم به مخالفت با وی برخاست و مقرداری وجوهات متعلق به امام را که نزد خود داشت از پرداخت آن به سفیر دوم سرباز زد<sup>۶</sup> در پی

۱. شخصیت‌شناسی عاشورا، ص ۲۴۲-۲۱۸ با اندکی تغییر و تلخیص.

۲. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۱۰۱.

۳. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، جاسم حسین ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، ص ۱۶۳.

۴. سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، ج ۲، محمدرضا جباری، ص ۶۶۰.

۵. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۶۳.

۶. سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، محمدرضا جباری، ص ۶۶۲.

۷. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، جاسم حسین ترجمه سید محمد تقی آیت‌اللهی، ص ۱۶۳.



این امر توقیعی از سوی ناحیه مقدسه بدین مضمون برای وکلای عراق صادر شد اخذرو الصوفی المتصنّع یعنی از صوفی ریاکار پرهیزید. دلیل این امر نیز مشخص بود زیرا گفته شد که اورویّه عابدانه و صوفیانه‌ای را در پیش گرفته بود و به عنوان نمونه می‌توان به ۵۴ سفر حجی اشاره کرد که بیست سفر آن با پای پیاده بود! ولی از تعبیر «الصوفی المتصنّع» در این توقیع استفاده می‌شود که این اعمال از روی تصنّع و ریا بوده است! از این روی با وجود کمیّت بالای اعمال عبادی‌اش نتوانست عاقبت نیکی داشته باشد.

ظاهر زاهدانه و صوفیانه احمد بن هلال از سوی و این که بسیاری از راویان شیعی در عراق از او روایت شنیده و نقل کرده بودند از سوی دیگر موجب استبعاد قبول توقیع فوق از سوی شیعیان و حتی وکلای ناحیه مقدسه بود! از این رو با مراجعه به نزد قاسم بن علا یکی از برجسته‌ترین وکلای این عصر وی را بر آن داشتند که مجدداً درباره احمد بن هلال از ناحیه مقدسه استفسار نماید! از این رو توقیع دیگری بدین مضمون صادر شد.

امر ما درباره ابن هلال ریاکار - که رحمت خدا از او دور باد - بدان صورت که می‌دانی برای تو صادر شده و او که خداوند گناهِش نیامرزد و از لغزشش نگذرد، همواره بودن اذن و رضایت ما دخالت در امر ما می‌نمود و استبدادی در رأی داشت و از پرداخت دیون و اموال ما پرهیز داشت و جز طبق هوای نفس و خواسته خودش، به امر ما عمل نمی‌کرد، که خداوند بدین سبب او را در جهنم افکند پس ما بر رفتار وی صبر کردیم تا آن که خداوند با دعای ما، عمرش را تمام ساخت.<sup>۱</sup>

در عصر ظهور نیز جریان نفاق از دشمنان سرسخت حق و حق طلبان بوده و دشمنی آن‌ها با اهل بیت - به خصوص مهدی(ع) - آن‌ها را از بارزترین گروه‌های باطل قرار داده است.<sup>۲</sup> هنگامی که قائم قیام می‌کند گروهی از دین و ولایت خارج می‌شوند در صورتی که پنداشته می‌شود آنان از پیروان حضرت می‌باشند.<sup>۳</sup>

۱. سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، ج ۲، ص ۶۶۳

۲. فروع حق، رحیم کارگر، ص ۴۶.

۳. همان به نقل الغیبه طوسی، ص ۲۷۳.